



مقایسه اثر ماساژ کوتاه مدت با تمرینات تسهیل عصبی عضلانی بر درد گردن و شانه کارمندان، ناشی از نقاط ماشه‌ای میوفاشیال در عضله ذوزنقه

علی ساعت‌چیان^۱، ناهید خوشرفتار یزدی^{۲*}، سمیرا زارعی خیبری^۳، حسن قادری جاغرق^۴

چکیده

مقدمه: با توجه به شیوع بالای دردهای میوفاشیال عضله ذوزنقه در کاربران کامپیوتر (کارمندان) که منجر به ناتوانی، غیبت از کار، خستگی زودرس همچنین کاهش کارایی کارمندان به دلیل سردردهای مکرر ناشی از وجود نقاط ماشه‌ای در گردن می‌شود، لازم است تا به بررسی روش‌های درمانی برای تسکین این دردها پرداخته شود. لذا هدف از مطالعه حاضر مقایسه اثر ماساژ کوتاه مدت با تمرینات کشش تسهیل عصبی عضلانی (Neuromuscular Facilitation Exercises) NFE بر درد گردن و شانه کارمندان دارای نقاط ماشه‌ای در عضله ذوزنقه می‌باشد. روش بررسی: مطالعه به روش کارآزمایی بالینی روی ۴۲ بیمار (کارمندان زن و مرد علوم پزشکی مشهد) انجام گرفت. گروه مورد مطالعه شامل بیمارانی بود که علائم بالینی و معاینه فیزیکی مبنی بر وجود نقاط ماشه‌ای در ناحیه گردن در آنها وجود داشت. افراد پس از مشابه‌سازی از نظر سن، مدت زمان علائم و شدت درد، به صورت تصادفی به سه گروه کنترل، گروه تجربی (ماساژ کوتاه مدت) و گروه تجربی ۲ (تمرینات NFE) تقسیم شدند. مداخله درمانی روی بیماران انجام گرفت و قبل و بعد از درمان شاخص‌های شدت درد، درد گردن، درد شانه، ناتوانی شانه، ناتوانی و درد شانه، بررسی شد و تغییرات در داخل گروه و بین سه گروه با استفاده از روش آماری آنوا یک طرفه مورد مقایسه قرار گرفت.

نتایج: ماساژ کوتاه مدت و تمرینات NFE پس از یک جلسه باعث کاهش معنی‌دار درد شد ($P < 0.05$). و درد گردن، درد شانه، ناتوانی شانه، ناتوانی و درد شانه به طور معنی‌داری کاهش یافت ($P < 0.05$) اما تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشد ($P > 0.05$). نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد هر دو روش ماساژ کوتاه مدت و تمرینات NFE، اثر مشابهی در درمان درد نقاط ماشه‌ای عضله ذوزنقه دارند. با توجه به تحقیقات کمی که در این زمینه انجام شده است، نیاز به مطالعات بیشتری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ماساژ کوتاه مدت، تمرینات تسهیل عصبی عضلانی، درد گردن و شانه، نقاط ماشه‌ای

۱- کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- استادیار، گروه آسیب شناسی و حرکت اصلاحی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳- کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه فردوسی مشهد

۴- کارشناس ارشد حرکت اصلاحی و آسیب شناسی ورزشی، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

* (نویسنده مسئول): تلفن: ۰۹۳۵۲۸۴۷۶۶۸، پست الکترونیکی: khoshraftar@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۹/۰۳/۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۵

مقدمه

پروکائین یا گزیلوکائین (۱۵)، گرما درمانی و امواج ماورای صوت (۱۶)، ماساژ (۱۷) و تحریک الکتریکی عصب از طریق پوست (TENS) (Transcutaneous Electrical Nerve Stimulation) استفاده شده است (۱۸). به‌طور کلی هدف از کاربرد درمان‌های فیزیکی، کاهش درد و برگرداندن عملکرد طبیعی عضله می‌باشد. درمان‌های فیزیکی نسبت به درمان‌های دارویی بدون خطر بوده و دارای ایمنی بالایی هستند.

تمرینات تسهیل عصبی عضلانی شامل چندین الگوی حرکتی برای تسهیل و تصحیح فرمان‌های حرکتی مغز از طریق دریافت پیام گیرنده‌های حس عمقی داخلی عضلات است. تصحیح الگوهای مختل شده سبب برقراری نظم و تسهیل در انتقال حس عمقی و تصحیح وضعیت مفاصل و عضلات می‌گردد (۱۹).

ماساژ نقطه ماشه‌ای میوفاشیال، یک تکنیک پیشرفته عصبی عضلانی است که معمولاً در ورزش درمانی برای تسکین درد و ایجاد انبساط عضلانی به دنبال ضربه‌ها استفاده می‌شود و چون ماساژ متنوعی با تمرکز بیشتر بر این نواحی استفاده می‌شود، از این نظر مشابه طب فشاری است (۴). ماساژ نقاط ماشه‌ای سبب کاهش تنش عضلانی می‌شود (۲۰). همچنین پژوهشگران نشان دادند که ماساژ باعث کاهش سفتی و بهبود خستگی در عضلات اندام تحتانی می‌شود (۱۸).

هدف از این مطالعه، مقایسه اثر ماساژ کوتاه مدت با تمرینات NFE، روی درد گردن و شانه کارمندان دارای نقاط ماشه‌ای در عضله ذوزنقه است. از طرفی با توجه به نظریه جدید که اسپاسم دوک‌های عضلانی را عامل اصلی در بروز نقاط ماشه‌ای می‌داند، کشش عضلانی جزء درمان‌های اساسی این بیماری قرار می‌گیرد (۲۲). در تحقیقی که لی و همکاران (۲۰۱۳) بر روی افراد مبتلا به سندرم درد میوفاشیال انجام دادند مشخص شد که کشش تسهیل عصبی عضلانی تاثیر قابل توجهی در کاهش درد و افزایش کارایی و عملکرد افراد داشته است (۱۲). در پژوهشی مروری که Brosseau و همکاران (۲۰۱۲) بر روی افراد مبتلا به گردن درد مزمن با عامل نقاط ماشه‌ای انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ماساژ

گردن درد، دومین ناتوانی شایع عضلانی-اسکلتی بعد از کمردرد است که در سال‌های اخیر به دلیل پیشرفت تکنولوژی و کار با رایانه میزان آن رو به افزایش است (۱). زمانی که یک فرد برای مدت طولانی در یک الگوی غلط قرار گیرد. برای مثال، هنگام مطالعه کردن، پشت میز نشستن و انجام کارهای اداری، اگر با وضعیتی به‌صورت سر خمیده به‌طرف جلو کار خود را انجام دهد، گروه عضلات ضد جاذبه فرد تحت کشش قرار گرفته و خسته می‌شوند (۲). وضعیت بدنی غلط و طولانی این‌گونه افراد منجر به ضعف عضلات پشتی گردن و اختلال در عمل پیام‌های حس عمقی-گاما موتور نرون‌ها و اختلال در رفلکس تنظیم تون عضلات گردن می‌شود (۳).

سندرم درد میوفاشیال یک اختلال عضلانی دردناک و شایع است که توسط نقاط ماشه‌ای میوفاشیال ایجاد می‌شود (۴) و شیوع آنها حدود ۳۰ درصد از مراجعین به درمانگاه‌های عمومی را شامل می‌شود که در کلینیک‌های درد، این میزان بسیار بالاتر است (۵). تشخیص این سندرم نیازمند لمس حداقل یک نقطه ماشه‌ای مشخص از نظر کلینیکی است (۶). مشخصه نقاط ماشه‌ای میوفاشیال وجود قوام ندولار در لمس باندهای سفت عضله است (۷). مشکلات و تبعات این بیماری شامل افت عملکرد بیماران، اختلالات روحی شامل اضطراب و استرس ناشی از این مشکل و هزینه‌های ناشی از آن می‌باشد (۸). اولین بار در سال ۱۸۳۴ فروریپ به وجود نقاط دردناک در عضله اشاره کرد (۹-۱۱). ولی اصطلاح نقاط ماشه‌ای اولین بار توسط جانت تر در سال ۱۹۴۲ با یافته‌های کلینیکی مشخصی همچون نقطه حساس در یک باند سفت شده عضله، پاسخ انقباضی موضعی به دنبال تحریک مکانیکی، انتشار درد در موضع مشخصی از عضله و ایجاد درد متعاقب لمس، مطرح شد (۱۲). در نقاط ماشه‌ای سر و گردن، دامنه حرکتی، انعطاف‌پذیری عضلات و عملکرد فرد کاهش می‌یابد (۴).

برای درمان نقاط ماشه‌ای از روش‌های مختلفی همچون ماساژ یخ، کشش فعال و غیرفعال عضله (۱۳)، روش انرژی عضلانی و لیزر (۱۴)، فشار ایسکمیک، موبیلیزیشن، تزریق

که بیماران درد شانه با انتشار به گردن، اندام فوقانی و پشت را داشتند و درد آنها محدود به یک درماتوم یا میوتوم نبوده و در معاینه آنها باندهای سفت عضلانی لمس می‌شد. که در طول آن یک یا چند نقطه دردناک به نام نقاط ماشه‌ای وجود داشت که با فشار روی آنها مجدداً علائم بیمار ایجاد می‌شد که این عمل توسط پزشک انجام می‌گرفت (۳).

۲- بیمار درد را حداقل به مدت ۶ ماه، تجربه کرده باشد.

۳- معاینه نرولوژیک بیماران طبیعی باشد.

۴- بیماری دیگری که توجیه‌کننده علائم بیمار باشد (مثلاً رادیکولوپاتی) وجود نداشته باشد.

خصوصیات سن، جنس، مدت زمان علائم، شدت درد هنگام استراحت، شب و هنگام فعالیت، درد گردن، درد شانه، ناتوانی در شانه و درد و ناتوانی شانه موقع ورود به عنوان متغیرهای پایه‌ای بررسی و ثبت شد. جهت تعیین میزان درد غیر عینی بیماران از معیار (VAS) (Visual Analogue Scale) استاندارد ده‌گانه (۲۵) استفاده شد و میزان درد در هنگام استراحت، شب و هنگام فعالیت توسط خود بیمار پس از توضیح پژوهشگر، روی نمودار علامت زده می‌شد و برای درد گردن از پرسشنامه NPNPQ (The Northwick Park Neck Pain Questionnaire) و درد و ناتوانی شانه از پرسشنامه (Shoulder Pain And Disability Index) SPADI استفاده شد.

پرسشنامه SPADI شامل دو قسمت مقیاس درد (۵ قسمت) و مقیاس ناتوانی شانه (۸ قسمت) است. مقیاس درد شامل صفر (بدون درد) تا ۱۰ (شدیدترین درد قابل تصور) بود. بیمار به پرسش‌های مطرح شده در هر قسمت پاسخ داد و امتیازی از صفر تا ده به وی تعلق گرفت. مقیاس ناتوانی از صفر (بدون مشکل و مستقل) تا ۱۰ (نیاز به کمک) بود. بیمار با توجه به توانایی خود به پرسش‌های مطرح شده در وضعیت‌های مختلف پاسخ داد و امتیازی از صفر تا ده را کسب نمود. پرسشنامه SPADI معیار معتبری است که پایایی (۰/۶۵-۰/۶۳) آن خوب گزارش شده است (۲۶).

پرسشنامه NPNPQ، درد گردن و ناتوانی متعاقب آن را در

فشاری می‌تواند در کاهش درد و افزایش دامنه حرکتی در گردن موثر باشد (۲۳). همچنین در بررسی که Azma و همکاران (۱۳۹۴) بر روی دو گروه که یک گروه مبتلا به سر درد مزمن و گروه دیگر سالم بودند انجام داد، به این نتیجه رسیدند که تفاوت واضحی بین دو گروه مورد و شاهد در وجود نقاط ماشه‌ای، محدودیت حرکات گردنی، حساسیت عضلات گردن و اطراف آن و همچنین مفاصل فاست وجود داشت (۲۴).

در پژوهشی مروری که Kong و همکاران (۲۰۱۳) بر روی افراد گردن درد به دلیل وجود نقاط ماشه‌ای انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ماساژ درمانی می‌تواند اثرات مثبتی بر روی کاهش درد و افزایش عملکرد گردن و شانه داشته باشد (۱۶).

اما تجربه‌ای از مقایسه این دو روش درمانی وجود ندارد و یا حداقل در دسترس ما نبود که کدام یک از این روش‌های درمانی بر دیگری برتری دارد. به همین دلیل با توجه به شیوع بالای این بیماری و نبود نتایج قطعی و نهایی در درمان این سندرم، محقق بر آن است که مقایسه اثر ماساژ کوتاه‌مدت با تمرینات NFE را روی درد گردن و شانه کارمندان دارای نقاط ماشه‌ای در عضله دوزنقه، بررسی کند.

روش بررسی

این مطالعه کار آزمایشی بالینی کنترل‌دار به روش تصادفی در دسترس می‌باشد. تعداد ۴۲ کارمند علوم پزشکی (۲۰ زن، ۲۲ مرد) مبتلا به سندرم درد مایوفاشیال عضله دوزنقه با میانگین سنی ۳۶ سال و BMI بین ۲۲ تا ۳۰ است وارد مطالعه شدند. این افراد موافقت کتبی خود را برای همکاری با طرح اعلام کرده بودند، وارد مطالعه شدند.

بیماران پس از همگن سازی بر اساس سن، مدت زمان علائم، به صورت تصادفی به سه گروه طبق جدول ذیل تقسیم شدند:

جدول ۱: توزیع بیماران در سه گروه

ردیف	گروه	نوع درمان	تعداد
۱	گروه تجربی ۱	ماساژ کوتاه‌مدت	۱۴
۲	گروه تجربی ۲	تمرینات NFE	۱۴
۳	کنترل	بدون درمان	۱۴

معیارهای ورود به مطالعه (معیارهای تشخیصی) به شرح زیر می‌باشد:

۱- وجود سندرم درد مایوفاشیال عضله دوزنقه، به این صورت

پرسشنامه‌ها یک بار قبل از مداخله درمانی و بار دیگر یک روز پس از مداخله درمانی توسط آزمودنی‌ها در هر سه گروه تکمیل شد.

برنامه درمانی ماساژ کوتاه مدت: آزمودنی‌های گروه تجربی ۱ در حالی که روی صندلی راحت قرار گرفته بودند، ماساژ درمانی را به مدت ۲۰ دقیقه در نواحی ماشه‌ای سر و گردن و عضله دوزنقه‌ای به صورت قرینه دریافت نمودند. آزمودنی‌های گروه کنترل هیچ گونه ماساژ و تمرینی دریافت نکردند. ماساژ توسط افرادی که ۳ سال سابقه داشتند انجام گرفت و به صورت فشار متمرکز، عمیق و دورانی اطراف نقاط ماشه‌ای میوفاشیال در قسمت بالایی، میانی و تحتانی عضله دوزنقه انجام شد (شکل ۱) (۲۹).



شکل ۱: ماساژ کوتاه مدت (ماساژ نقاط ماشه‌ای)

خم شدن، نزدیک شدن و چرخش داخلی مفصل شانه و اندام فوقانی را به طور همزمان با حرکات خم شدن سر و گردن به جلو و چرخش آن به همان سمت انجام می‌داد (شکل ۲).

بیماران اندازه‌گیری می‌کند. معیار اندازه‌گیری آیزکتیو علائم است. مقیاس، شامل ۹ قسمت برای ارزیابی شدت درد گردن، درد گردن و خواب، درد و سوزن سوزن شدن و کرختی بازوها در شب، مدت علائم، حمل اشیاء، مطالعه کردن و تماشای تلویزیون، کار کردن و یا فعالیت در منزل، فعالیت اجتماعی و رانندگی کردن است. هر قسمت از صفر تا چهار رتبه‌بندی شده است. نمره صفر نشانه عدم وجود مشکل و نمره چهار نشانه حداکثر درد و ناتوانی است. حداقل نمره صفر و حداکثر آن ۳۶ است. این پرسشنامه معیار معتبری است ($r=0/79$) و پایایی ($r=0/89$) و همبستگی درونی آن خوب گزارش شده است (۲۷).

در صورتی که در عضله بیمار بیش از دو نقطه ماشه‌ای وجود داشت، دوتایی که از همه دردناک‌تر بود انتخاب می‌شد و تحت مداخله قرار می‌گرفت (۱۸، ۲۸).

برنامه درمانی گروه تمرینات تسهیل عصبی عضلانی: بیمار به پشت خوابیده به صورتی که سر و گردن وی از تخت بیرون بود سپس الگوی حرکتی هر یک از اندام‌های فوقانی شامل حرکات



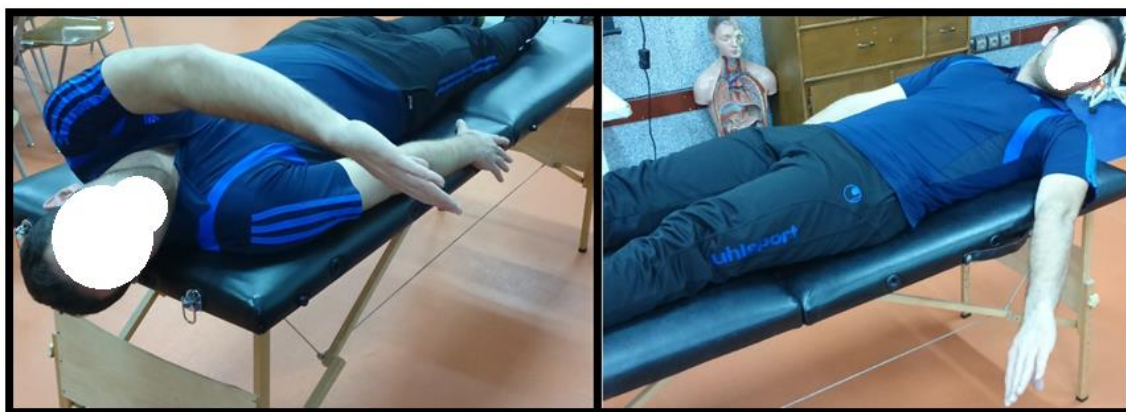
شکل ۲: وضعیت بیمار در هنگام حرکت دادن اندام فوقانی و سر و گردن. شکل سمت راست شروع و سمت چپ خاتمه الگوی حرکتی

و گردن به عقب و چرخش آن به همان سمت را برای هر دو اندام سمت راست و چپ انجام می‌داد (شکل ۳). در انجام الگوهای

پس از آن الگوی دوم را به صورت باز کردن، دور کردن و چرخش داخلی شانه و اندام فوقانی همراه با حرکت خم شدن سر

درمان، تمام حرکات به‌وسیله درمان‌گر به بیماران آموزش داده می‌شد. سپس تمام حرکات به‌وسیله خود بیمار و با نظارت درمانگر صورت می‌گرفت.

حرکتی اندام فوقانی از بیمار خواسته می‌شد تا با چشم‌های خود حرکات دست همان طرف را دنبال کند. تعداد حرکات در هر الگو ۱۰ مرتبه برای هر یک از اندام فوقانی بود (۳۰). قبل از شروع



شکل ۳: وضعیت بیمار در هنگام حرکت دادن اندام فوقانی و سرو گردن. شکل سمت راست شروع و سمت چپ خاتمه همان الگوی حرکتی

نتایج

برای بررسی همگن بودن گروه‌ها، توزیع بیماران بر حسب خصوصیات فردی و بیماری (سن، مدت زمان علائم و ...) قبل از درمان و به تفکیک گروه درمانی در (جدول ۲) ارائه شده است.

پس از ثبت پس‌آزمون، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۷ و آزمون آماری T-test، Kolmogorov-Smirnov، One-way ANOVA و Tukey تجزیه و تحلیل شدند و سطح معنی‌داری آزمون‌ها کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۲: توزیع بیماران بر حسب خصوصیات فردی و بیماری قبل از درمان و به تفکیک گروه درمانی

P	گروه تجربی ۲	گروه تجربی ۱	گروه کنترل	
۰/۳	۳۹±۵	۳۲±۱۰	۳۸/۶±۴/۲	سن
۰/۹	۹/۶±۷/۴	۹/۶±۸/۴	۹/۸±۹/۶	مدت زمان علایم
۰/۴	۳/۵±۲/۶	۲/۹±۲/۸	۳/۶±۲/۵	درد موقع استراحت
۰/۱	۳/۱±۰/۲	۲/۷±۰/۷	۳/۴±۰/۱	درد شبانه
۰/۱	۶/۵±۱/۴	۵/۸±۲/۱	۶/۶±۱/۲	درد هنگام فعالیت
۰/۸	۱۷/۷±۳/۳	۱۸±۳/۵	۱۸/۱±۳/۲	درد گردن
۰/۱	۴۲/۴±۱۳/۲	۴۹/۳±۱۷/۲	۴۶/۴±۱۳/۸	درد شانه
۰/۲	۵۷/۵±۲۰/۸	۵۶/۱±۲۰/۲	۵۶/۷±۲۰/۷	ناتوانی شانه
۰/۱	۱۰۳/۳±۲۲/۹	۱۰۶/۲±۲۸/۱	۱۰۳/۱±۲۲/۹	ناتوانی و درد شانه

گروه‌های تجربی و گروه کنترل این تفاوت معنی‌دار بود ($P < 0.05$) (جدول ۳).

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین دو گروه تجربی پس از مداخله وجود نداشت ($P > 0.05$)، اما بین

نتیجه درمان پس از درمان بر حسب شاخص های آن و به تفکیک گروه درمانی در (جدول ۳) ارائه شده است.

در هر دو گروه تجربی، میزان درد موقع استراحت، درد شبانه و درد موقع فعالیت به صورت واضحی کاهش یافته بود ($P < 0/05$). همچنین شاخص درد گردن، درد شانه، ناتوانی و درد و ناتوانی شانه کاهش یافت ($P < 0/05$) (جدول ۲).

جدول ۳: نتایج درمان پس از درمان بر حسب شاخص های آن و به تفکیک گروه درمانی

گروه تجربی ۲	گروه تجربی ۱	گروه کنترل	
۱/۶±۱/۴	۱/۸±۱/۵	۳/۸±۲/۶	درد موقع استراحت
۱/۸±۱/۷	۱/۶±۰/۳	۴±۱/۵	درد شبانه
۲/۵±۱/۸	۲/۸±۲/۲	۶/۵±۲/۱	درد هنگام فعالیت
۱۰/۴±۳/۴	۷/۶±۴/۴	۱۸/۳±۳/۵	درد گردن
۹/۶±۶/۵	۱۳/۷±۵/۶	۴۶/۴±۱۳/۸	درد شانه
۱۶/۶±۱۱/۲	۲۳/۶±۱۵/۱	۵۵/۹±۲۰/۵	ناتوانی شانه
۲۶/۶±۱۲/۳	۳۷/۶±۳۰/۷	۱۰۲/۶±۲۳/۱	درد و ناتوانی شانه

حس درد ایجاد شده نیز از بین می رود (۳۲). نتایج این تحقیق با نتایج فلپندر و همکاران (۱۹۹۹)، کی دی و همکاران (۱۹۹۷)، چانگ و همکاران (۲۰۰۲) و فاستر و همکاران (۲۰۰۲) همخوانی دارد (۳۳-۳۶) که این نتایج ناشی از تحریک سیستم پاراسمپاتیک به دنبال ماساژ می دانستند که منجر به کاهش مقدار شاخص های فیزیولوژیک می شوند. همچنین در جدیدترین پژوهش ها موراسکا و همکاران (۲۰۱۵)، در مطالعه ای با عنوان "ماساژ نقاط ماشه ای در سر و گردن برای سردردهای تنشی" به مقایسه دو گروه بیمار با سندرم درد مایوفاشیال با استفاده از دو نوع روش درمانی شامل یک گروه با استفاده از ماساژ و گروه دیگر با استفاده از دارو پرداختند، آنها به این نتیجه رسیدند که گروه ماساژ کاهش درد بیشتری نسبت به گروه دارو داشتند و همچنین آستانه درد فشاری فقط در گروه ماساژ بهبود نشان داد (۳۱). در پژوهشی دیگر ترامپاس و همکاران (۲۰۱۰)، به بررسی ترکیب ماساژ درمانی و کشش PNF بر روی مبتلایان به سندرم میو فاشیال در عضلات کمر و همسترینگ پرداختند. نتایج، تاثیر بسیار زیادی را در کاهش درد در گروه بیمار نسبت به گروه کنترل نشان داد به علاوه افزایش معنی داری در دامنه حرکتی مشاهده شد (۳۷)، اما پژوهشی مشابه بر روی گردن یافت نشد.

بحث

با توجه به این که درد مایوفاشیال دردی است که باعث اختلال در کارایی و عملکرد افراد می شود، بنابراین ما در این تحقیق به مقایسه دو روش درمانی مهم پرداختیم.

اگرچه تکنیک های بسیاری وجود دارد که می تواند تاثیر بر نقاط ماشه ای داشته باشد، اما تکنیک های دستی مانند ماساژ درمانی و کشش بسیار جالب توجه است. به دلیل در دسترس بودن، کم هزینه بودن، علاقه بیمار، غیررسمی بودن، عدم وجود عوارض و اثربخشی بیشتر در درمان، از مهمترین علل تمایل به سوی این نوع درمان است (۳۱).

این مطالعه نشان داد که دو روش درمانی ماساژ کوتاه مدت و NFE روی شاخص های درد بیماران بسیار موثر است و همچنین بین دو گروه و گروه کنترل تفاوت معنی دار است. این تاثیر در ماساژ کوتاه مدت از طریق آرامش عضلانی و تحریک مکانیکی نقاط ماشه ای و در پی آن افزایش گردش خون در اطراف نقاط ماشه ای می باشد. احتمالاً مکانیزم ماساژ فشاری از طریق تخریب مکانیکی endPlate می باشد این endPlate های دارای اختلال عملکرد، با رها کردن مدام استیل کولین باعث انقباض فیبرهای عضلانی مربوط شده و نقاط ماشه ای را ایجاد می کنند. با تخریب این موارد، انقباض فیبر هم از بین رفته و

می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که ماساژ نقاط ماشه‌ای و تمرینات NFE، تکنیک‌هایی غیر تهاجمی و بدون عارضه هستند که باعث القای اثرات آرام‌سازی، بهبود سیستم حسی عمقی و کاهش درد در گروه‌های تجربی می‌شود و اگر به بیماران و سایر افراد آموزش داده شود، مطمئناً به میزان زیادی سبب کاهش مشکلات آنها شده و نیاز به داروهای مسکن و آرام بخش را کاهش خواهد داد.

البته در تحقیق ما نیز کاستی‌ها و محدودیت‌هایی از جمله تعداد کم نمونه‌ها وجود داشت، چرا که وقتی شاخص درمانی کیفی باشد بهتر است که مطالعه با نمونه‌های بیشتری انجام گیرد (۸). یکی دیگر از محدودیت‌های این تحقیق، دوسو کور نبودن است که می‌تواند هم از جنبه بیمار و هم از لحاظ ارزیابی‌کننده نوعی سوگیری ایجاد کند و از نقطه‌نظر قوت، ما سعی کردیم که بیماران قبل از شروع درمان از نظر عوامل موثر بر نتیجه مثل سن، مدت زمان علائم و شدت درد همسان باشند و این نکته‌ای است که در تحقیقات قبلی کمتر دیده شده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، تئوری‌های مطرح شده در مورد تاثیر روش‌های مختلف درمانی بر روی نقاط ماشه‌ای، از قطعیت کافی برخوردار نیست. بنابراین در مورد تاثیر روش‌های مختلف درمانی اتفاق نظر وجود ندارد و هیچ‌کدام از درمان‌ها به‌عنوان بهترین روش یا درمان استاندارد شناخته نمی‌شوند. بنابراین روش‌های مورد استفاده در این مطالعه به‌عنوان یک روش درمانی مطرح است. این دو روش و روش‌های دیگر، در درمان دردهای میوفاشیال عضله دوزنقه نسبتاً موفق هستند. اما روش ماساژ کوتاه‌مدت و تمرینات NFE به‌دلیل هزینه و وقت کمتر از روش‌های دیگر بهتر است. به هر حال برای دستیابی بهتر و قطعی نیاز به مطالعات بیشتر در نوع و ترکیب درمان و ماندگاری آن وجود دارد.

پژوهش انجام شده، حاصل طرح پژوهشی است که در دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفته است.

با وجود اینکه تاثیر ماساژ و روش آرام‌سازی در حیطه جسمانی و روانی ثابت شده است اما در روش NFE مکانیزم این تمرینات از طریق ایجاد واکنش در ساز و کارهای عصبی عضلانی در گیرنده‌های عمقی صورت می‌گیرد (۱۹). این حرکات بهتر از حرکات تک محوری و ساده می‌باشند و تحت عنوان PNF و برای ازدیاد دامنه حرکتی و افزایش تحمل عضلات استفاده شده‌اند (۱۷، ۱۸). شکل متفاوتی از تمرینات PNF وجود دارد. نوع رایج آن شامل حرکات ریتمیک تثبیتی و نوع دیگر ترکیبی از انقباضات ایزوتونیک (کانسنتریک و اکسنتریک متناوب) عضلات مختلف می‌باشد. هر چند این روش در فیزیوتراپی فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما هنوز تاثیر آن در درمان نقاط ماشه‌ای مورد تأیید قرار نگرفته است این حرکات نه تنها عضلات سر و گردن را در بر دارد بلکه عضلات اندام فوقانی و حرکات چشم را نیز شامل می‌شود. لذا واکنش‌های تطابقی عضلات درگیر را به‌کمک انقباض کانسنتریک و اکسنتریک آنها اصلاح می‌نماید.

در این مطالعه، از تمرینات تسهیل عصبی عضلانی (NFE) به‌صورت حرکات توام سر، گردن و دست‌ها، شامل چهار الگوی حرکتی برای درمان نقاط ماشه‌ای استفاده شد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در گروه تمرینات NFE، درد به‌طور کلی و درد گردن و شانه و ناتوانی شانه، کاهش قابل ملاحظه‌ای نسبت به قبل از درمان داشت و در مقایسه با گروه کنترل کاهش زیادی نشان داد ($P < 0.05$). نتایج این مطالعه با مطالعه الورز و همکاران (۲۰۰۲)، ویلر (۲۰۰۴) (بر گرفته از پژوهش جانیس (۱۹۹۷) و ریول و همکاران (۱۹۹۳) همخوانی دارد (۴، ۲۰، ۲۱) که این نتایج ناشی از اختلال در سیستم حس عمقی عضلات گردن می‌باشد. حس عمقی در درک حرکت سر و گردن نقش عمده‌ای داشته و قابلیت بازآموزی دارد و با تکنیک‌های توان‌بخشی می‌توان آن را بهبود بخشید. از این‌رو تمرین بر پایه توام شدن سر و گردن و چشم، بر اساس آنچه ریول و همکاران گزارش دادند که تسهیل حس عمقی گردن می‌تواند مناسب‌تر از برنامه‌های توان‌بخشی معمول باشد (۲۱). به‌نظر می‌رسد این پژوهش از این نظر که بر روی نقاط ویژه‌ای صورت گرفته است،

References:

- 1- Saadat M, Shaterzadeh Yazdi MJ, Arastoo AA, Zahednegad S, Negahban Seuki H, Bigdeli AH. *Background and Objective: Patients with neck pain are the second largest group after low back pain attended for physical therapy. Sensorimotor deficits in chronic nonspecific neck pain may alter cervical afferent input. Alte. Jundishapur Scientific Medical Journal.* 2012; 52(1):132-72. [Persian]
- 2- Mayoux-Benhamou MA, Revel M. *Influence of head position on dorsal neck muscle efficiency. Electromyography clinic neurophysio.* 1992; 33(3): 161-66.
- 3- Falla D, Jull G, Edvard S, Koh K, rainoldi A. *Neuromuscular efficiency of the sternocleidomastoid and anterior scalene muscles in patients with chronic neck pain. Disabil Rehabil* 2004; 26(12): 1712-17.
- 4- Alvarez DJ, Rockwell PG. *Trigger points: diagnosis and management. American family physician* 2002; 65(4): 653-62.
- 5- Skootsky SA, Jaeger B, Oye RK. *Prevalence of myofascial pain in general internal medicine practice. Western J Med* 1989; 151(2): 157.
- 6- Myburgh C, Lauridsen HH, Larsen AH, Hartvigsen J. *Standardized manual palpation of myofascial trigger points in relation to neck/shoulder pain; the influence of clinical experience on inter-examiner reproducibility. Manual therapy* 2011; 16(2): 136-40.
- 7- Schneider MJ. *Tender points/fibromyalgia vs. trigger points/myofascial pain syndrome: a need for clarity in terminology and differential diagnosis. J manipulative and physiologic therapeutics* 1994; 18(6): 398-406.
- 8- Mense S, Simons DG, Russell IJ. *Muscle pain: understanding its nature, diagnosis, and treatment: Lippincott Williams & Wilkins* 2001.
- 9- Runge F. *Der Rheumatismus der Muskeln und Gelenke: Ein Beitrag zur Theorie und Behandlung desselben: Kreidel* 1868.
- 10- Travell J, Rinzler S, Herman M. *Pain and disability of the shoulder and arm: treatment by intramuscular infiltration with procaine hydrochloride. J American Med Assoc* 1942; 120(6): 417-22.
- 11- Braddom RL. *Physical medicine and rehabilitation Elsevier Health Sci* 2010.
- 12- Lee J-H, Park S-J, Na S-S. *The effect of proprioceptive neuromuscular facilitation therapy on pain and function. J physic therapy sci* 2013; 25(6): 713-16.
- 13- Simons D. *Travell & Simons' myofascial pain and dysfunction: the trigger point manual. Volume 1: The upper half of body. Volume 2: The lower extremities. Baltimore: Lippincott Williams & Wilkins; 1983.*
- 14- Akbari A, Pourghaz A. *A comparative study of diclofenac phonophoresis and ergonomic instructions on neck and shoulder pain in women with myofascial trigger points in trapezius muscle. J Gorgan Uni Med Sci* 2012; 14(4): 17-23. [Persian]

- 15- Azma K, Najaran A. *Evaluation of Correlation between Musculoskeletal Cervical Spine Abnormalities and Chronic headache*. HBI_J 2012; 9(4): 241-4. [Persian]
- 16- Kong LJ, Zhan HS, Cheng YW, Yuan WA, Chen B, Fang M. *Massage therapy for neck and shoulder pain: a systematic review and meta-analysis*. Evidence-Based Complementary and Alternative Med 2013; 3 (1): 35.
- 17- Korr IM. *The spinal cord as organizer of disease processes: II. The peripheral autonomic nervous system*. J Am Osteopath Assoc 1979; 79(2): 82-90.
- 18- Gam AN, Warming S, Larsen LH, Jensen B, Høydalsmo O, Allon I, et al. *Treatment of myofascial trigger-points with ultrasound combined with massage and exercise—a randomised controlled trial*. Pain 1998; 77(1): 73-9.
- 19- Surburg PR, Schrader JW. *Proprioceptive neuromuscular facilitation techniques in sports medicine: a reassessment*. J athletic training 1997; 32(1): 34.
- 20- Wheeler AH. *Myofascial pain disorders*. Drugs 2004; 64(1): 45-62.
- 21- Revel M. *Influence of head position on dorsal neck muscle efficiently*. *electromyoger clin neurophysiol*, 1993, 33(3); 161-6.
- 22- Robinson JA, Nielsen LA. *Muscle Pain Syndromes*. In: *Braddom RL, editor. Physical Medicine and Rehabilitation, 3th ed*. Philadelphia: WB Saunders; 2007; 39(1): 121-68.
- 23- Brosseau L, Wells GA, Tugwell P, Casimiro L, Novikov M, Loew L, et al. *Ottawa panel evidence-based clinical practice guidelines on therapeutic massage for neck pain*. J bodywork and movement therapies 2012; 16(3): 300-25.
- 24- Azma K, Najaran A. *Evaluation of Correlation between Musculoskeletal Cervical Spine Abnormalities and Chronic headache*. J Rehabilitation 2011 63(1): 35-43. [Persian]
- 25- Hsieh C-YJ, Hong C-Z, Adams AH, Platt KJ, Danielson CD, Hoehler FK, et al. *Interexaminer reliability of the palpation of trigger points in the trunk and lower limb muscles*. Archives physical Med rehabilitation 2000; 81(3): 258-64.
- 26- Curtis KA, Roach K, Applegate EB, Amar T, Benbow CS, Genecco TD, et al. *Development of the wheelchair user's shoulder pain index (WUSPI)*. Spinal Cord 1995; 33(5): 290-93.
- 27- Leak AM, Cooper J, Dyer S, Williams KA, Turner-Stokes L, Frank AO. *The Northwick Park Neck Pain Questionnaire, devised to measure neck pain and disability*. Rheumato 1994; 33(5): 469-74.
- 28- Knott M, Voss DE. *Proprioceptive neuromuscular facilitation: patterns and techniques*. Hoeber Medical Division, Harper & Row; 1968; 64(2): 133-37.
- 29- Salari S, Pilevarzadeh M, Shafiee N. *The effects of short-term myofascial trigger massage therapy on physiological parameters and relaxation reactions*. J Sabzevar School Med Sci 2005; 13(3): 300-25. [Persian].
- 30- Reza Soltani SA, Khaleghfar M, Tavakoli AR, Ahmadpur A. *The comparison of neuromuscular facilitation exercises and traditional exercise Therapy programs in the treating of patients WITH Chronic Non-specific Neck pain*. J Rafsanjan Uni Med Sci Health Services 2009; 8(1): 59-68. [Persian].

- 31- Moraska AF, Stenerson L, Butryn N, Krutsch JP, Schmiede SJ, Mann JD. *Myofascial Trigger Point-focused Head and Neck Massage for Recurrent Tension-type Headache: A Randomized, Placebo-controlled Clinical Trial*. Clinical J pain 2015; 31(2): 159-68.
- 32- Sheibaninia A, Valaei N, Mohammad Sadeghi Sh, Azizi F. *Evaluation of accuracy of published articles in Iranian Medical J*. Pejouhesh dar Pezeshki 2009; 33: 5-11. [Persian].
- 33- FASTER J, Kerr JR. *Psycho physiological effects of back massage on elderly institutionalized patients*. J Advanced physician 2002; 15: 38-254.
- 34- Chang MY, Wang SY, Chen CH. *Effects of massage on pain and anxiety during labour: a randomized controlled trial in Taiwan*. J advanced Nurs 2002; 38(1): 68-73.
- 35- Felhendler D, Lisander B. *Effects of non-invasive stimulation of acupoints on the cardiovascular system*. Complementary therapies in Med 1999; 7(4): 231-34.
- 36- Cady SH, Jones GE. *Massage therapy as a workplace intervention for reduction of stress*. Perceptual and Motor Skills 1997; 84(1): 157-58.
- 37- Trampas A, Kitsios A, Sykaras E, Symeonidis S, Lazarou L. *Clinical massage and modified Proprioceptive Neuromuscular Facilitation stretching in males with latent myofascial trigger points*. Physical Therapy in Sport 2010; 11(3): 91-8.

Comparison of the Effect of Short-Time Massage Using Neuromuscular Facilitation Exercises (NFE) on Neck and Shoulder Pain among Employees with Myofascial Trigger Points in the Trapezoid Muscle

Saatchian A(MA)¹, Khoshraftar Yazdi N(PhD)^{2*}, Zareie Kheybari S(MA)³, Qaderi Jagharg H(MA)⁴

¹ Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

² Department of Sport Medicine, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

³ Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

⁴ International University of Imam Reza, Mashhad, Iran

Received: 26/12/2014 accepted: 09/06/2015

Abstract

Introduction: According to the high incidence of myofascial pains of trapezoid muscle in the computer users (employees), which leads to disability, absence from work, early fatigue and also reducing efficiency of employees due to frequent headaches associated with trigger points in the neck area, it is important to investigate the therapeutic methods to release myofascial trigger pain. Therefore, the aim of this study was to compare the effect of short-time massage using neuromuscular facilitation stretching exercises (NFE) on neck and shoulder pain in the subjects with myofascial trigger points in trapezoid muscle.

Methods: This study was a clinical trial, which was conducted on 42 patients (female and male employees of Mashhad University of Medical Sciences). The studied group included the patients with clinical symptoms and physical examination of trigger points in neck area. The subjects were matched for age, duration of symptoms, and the severity of pain. Then, they were randomly divided into 3 groups. Control, experimental 1 (short-time massage) and experimental 2 (NFE exercises), respectively. Pain severity, neck pain, shoulder pain, shoulder disability, and shoulder disability and pain were measured after and before of therapeutic intervention and compared in within and among the groups by One-way ANOVA statistical method.

Results: After one short-time massage therapy and NFE exercises, there was found a significant reduction in pain ($P < 0.05$). Also, the pain in neck, shoulders, and shoulder disability was significantly decreased ($P < 0.05$). However, no significant differences were observed between the groups ($P > 0.05$).

Conclusion: It seems that both of short-time massage and NFE exercise methods have a similar effect on treatment of trigger points in trapezoid muscle. According to a few studies, it needs to have more investigations.

Keywords: Short-Time Massage; Neuromuscular Facilitation Exercises; Neck and Shoulder Pain; Trigger Points

This paper should be cited as: Saatchian A, Khoshraftar Yazdi N, Zareie Kheybari S, Qaderi Jagharg h. *Comparison of the Effect of Short-Time Massage Using Neuromuscular Facilitation Exercises (NFE) on Neck and Shoulder Pain among Employees with Myofascial Trigger Points in the Trapezoid Muscle*. Occupational Medicine Quarterly Journal 2016; 8(1): 43-53

****Corresponding author: Tel: 09352847668, Email: khoshraftar@um.ac.ir***